



۱۰

«سایه انتقام» می‌آید

تاتوم در یک نقش
ایندیانا جونزی

۱۲



۱۱

روایت آهنگین شاعران
برای حاج قاسم

فرهنگ

پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۹ :: شماره ۵۸۴۳



«هم سان و هم سکوت»
حسین علیزاده منتشر شد

تازه‌ترین اثر موسیقایی حسین علیزاده، نوازنده و آهنگساز پیشگام موسیقی ایرانی با همراهی مجموعه «رامبرانت تریو» پیش روی مخاطبان قرار گرفت.

به گزارش مهر، آلبوم «هم سان و هم سکوت» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار موسیقایی جدیدی است که با هنرمندی حسین علیزاده و مجموعه رامبرانت تریو منتشر شد. این اثر پیش از این نیز در پلتفرم‌های معتبر موسیقی جهان پیش روی شنوندگان قرار گرفته بود.

حسین علیزاده نوازنده شورانگیز، رامبرانت فرایش نوازنده فورته پیانو، هارمونیم، تونی اورواتر نوازنده ویولن و وینسنت پلانیه نوازنده سازهای کوبه‌ای گروه اجرایی آلبوم را تشکیل می‌دهند.

ضمن این‌که درآمد، سماع، کرشمه، مقدمه نیشابورک، سرمست، رامبراندی نژاد، نهفت و ترکمن اسامی آثاری هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند.

گروه سه‌نفره هلندی رامبرانت تریو سال‌ها با هنرمندان مختلف، از جمله موزیسین‌های مطرح کشورمان حسین علیزاده، کیهان کلهر و حسام اینانو همکاری‌های متعدد داشته و



در بسیاری از فستیوال‌های بزرگ جز از جمله بیم هویی، نورث‌سی‌جز، الب جز و فستیوال جز مادرید حضور داشته است. این مجموعه که دستمایه اصلی موسیقی‌شان موسیقی جز، موسیقی کلاسیک و موسیقی خاورمیانه است در پاییز سال ۱۳۹۶ بود که همراه با حسین علیزاده در شهرهای مختلف هلند به اجرای برنامه پرداخته بود.

اعضای گروه رامبرانت در طول ۱۲ سال گذشته در کنار هم ساز زده‌اند و توانسته‌اند به یکی از اصلی‌ترین گروه‌های جز در هلند تبدیل شوند.

موسیقی آنها غنایی شاد و در عین حال حس قوی ماجراجویی دارد. دستمایه اصلی موسیقی آنها بر اساس قطعات اورجینال در این سبک‌ها، باده‌نوازی می‌کنند که همین شاخصه رامبرانت تریو به عنوان یکی از خلاق‌ترین گروه‌های جز شناخته می‌شود.

آلبوم «هنوز پاییز است» نیز یکی دیگر از همکاری مجموعه رامبرانت تریو با هنرمندان ایرانی بود که در این پروژه کیهان کلهر، دیگر نوازنده شاخص موسیقی ایرانی گروه را همراهی می‌کرد.

این اثر موسیقایی حاصل همکاری و خلق موسیقایی این تریو با کیهان کلهر بود که از دو قسمت اصلی تشکیل شده که بخش اول کمانچه و در بخش دوم کلهر از ساز ابداعی شاه‌کمان استفاده می‌کند. این در حالی است که فضای ملودی‌ها بیشتر در مایه شوشتری و اصفهان گردش دارد.

سردار سلیمانی در شمایل یک قهرمان به آثار هنری رنگ و مهر حماسه می‌دهد



قصه قاسم ما
پرونده گروه فرهنگ و هنر جام جم
در آستانه سالروز شهادت سردار دل‌ها

مرور آثار نمایشگاهی هنری در گالری «سو» که مفهوم «فوتوژنیک» را بازتعریف کرده‌اند

آیا شما فوتوژنیک هستید؟

لابد شنیده‌اید که می‌گویند فلانی فوتوژنیک است
امادر هنر این یعنی چه؟

گاهی برخی اصطلاحات هنری به متن جامعه راه پیدا می‌کنند و مردم در کوچه و خیابان آن را به دفعات تکرار می‌کنند، آن سان که به بخشی از تکیه‌کلام‌های روزمره بدل می‌شود؛ یکی از این واژگان بسیاریر کاربرد «فوتوژنیک» است؛ اگر به یکی بگویید: «چه قدر قیافه فوتوژنیکی دارید!» حتماً قند در دلش آب می‌شود و تصور می‌کند مقصودتان این است که خیلی شیک و برازنده است، برخی پا را فراتر گذاشته فوتوژنیک را معادل سیما و استایل هنری پسند و به اصطلاح «آرتیستیک» هم معنا می‌کنند که کلمه انگلیسی اخیر خود یکی دیگر از آن جنس واژگان هنری است که عمومیت یافته است. حالا آیا برداشت مردم از کلمه فوتوژنیک درست است؟ راستش هم بله و هم خیر. یعنی تلقی مردم از این کلمه به شدت انگلیسی در شکل بسیار کلی آن صحیح است اما در لغتنامه‌های هنری موضوع به همین سادگی نیست. واژه فوتوژنیک که در فرهنگ عامه به سوژه‌ای اطلاق می‌شود که در عکس و شائیه‌ها در این خصوص پاسخ داده است. سو تلاش «آرتیستیک» هم معنای هر چیزی است که میل به عکاسی یا کشیده شدن وثیت رادرو چود آدمی تقویت می‌کند. آن چنان که در گذشته از تأثیر متقابل مدل و اثر نقاشی صحبت می‌شد، از دوره‌ای بحثی نیز درباره رابطه میان عکس و نقاشی، و تناظرهای میان عناصر آن‌ها به وجود آمد.



سامان محمدی
طراح گرافیک

به تازگی گالری سو که در قلب پایتخت، نزدیکی‌های پل کالج و میدان فردوسی واقع است نمایشگاهی باهمین موضوع فوتوژنیک برگزار کرده است که به بسیاری از پرسش‌ها و شائیه‌ها در این خصوص پاسخ داده است. سو تلاش کرده است با جمع آوری و ارائه مناسب حدود ۷۰ اثر هنری دریافتی امروزی از اصطلاح رایج شده فوتوژنیک نمایش دهد تا شاید مردمی که بارها و بارها در ستایش کسی این وصف را به کار برده اند برای فهمیدن ماهیت واقعی این لغت، سرکی به این نگارخانه بکشند. در نمایشگاه فوتوژنیک، نمونه‌هایی از تأثیرهای متقابل و چندوجهی استفاده هنرمندان از رسانه‌های نقاشی، عکاسی و فیلم ارائه شد؛ این تأثیرات، از طرفی در نگاه هنرمندان، و از طرف دیگر در لحن، سبک، و تکنیک آثار آنان مشهود است؛ به طوری که نفوذ جریان‌ها و حتی مفاهیم اساسی رسانه‌های دیگر، در درون مایه، کارنامه و گفتمان آثار هنرمندان به وضوح دیده می‌شود. در این گزارش، پنج اثر از این نمایشگاه را مرور کرده‌ایم:

هماد لورای و شاعرانه

هماد لورای چهره‌ای نام‌آشنا در طراحی گرافیک ایران است، اما آثارش بیش و پیش از طراحی گرافیک تصاویری پیچیده، پر جزئیات، خیره‌کننده و دلفریب است. او در پوسترهایش با حساسیت فراوان نوشته‌ها را با تصاویری رؤیاگونه ترکیب می‌کند که گاهی خوانند متن دشوار می‌شود اما همان‌طور که گفته شد هما دلورای در اساس ما را با تصویری دیدنی

مواجه می‌کند و کاوین آثار او امری لذت بخش است. اثر او در نمایش «فوتوژنیک» با عنوان «شاعرانه» تصویری از یک دریای متلاطم و شفق است که دیگر اجزای تشکیل دهنده این تصویر پرتوهای نور، ابر، گل، کلاغ و نوشته شاعرانه است. انگار که نوشته شاعرانه در خروش توفان گرفتار آمده و دو کلاغ هم از میان ابرو این آشوب خود را به شاعرانه رسانده‌اند. نوشته شاعرانه در این آشفستگی گل داده است یا حتی گل داشته است و گل‌ها را حفظ کرده و با تخته چوبین کلک وارش، گلدار به ساحل امن می‌رسد و کلاغ‌ها را به مرغان گل و مرغ بدل می‌کند. تصویر به فیلم می‌ماند از این حجم روایت‌گری، حقیقتاً در اثر شاعرانه با یک قصه طرف هستیم، قصه‌ای ظریف و پر از جزئیات خیره‌کننده.

پرنیان قربانی و صورت‌نگری گسسته

چهره یا صورت آن چیزی است که ما دیگران را به آن می‌شناسیم، تشخیص می‌دهیم و باور می‌کنیم. اما در اساس چهره چیست؟ حجم‌واره‌های پرنیان قربانی در نمایش فوتوژنیک گالری سو با این پرسش مواجهان می‌کند و او پاسخش را لایه‌لای تعامل با اثرش پنهان کرده است. او در تعدادی از آثارش به اجزاء صورت پرداخته است. قربانی در آثارش ابتدا مخاطب را با چستی چهره مواجه می‌کند سپس دعوت به دیدن درون اجزای صورت می‌کند، بعد اختیار حرکت اجزا را به مخاطب می‌سپارد.

نازنین اهری پورو حفرة خرگوش

نازنین اهری پور با یک چیدمان در نمایش «فوتوژنیک» ما را به جهان فانتزی خود دعوت کرده است. راه ورود به این سرزمین عجایب، همان دو حفرة ایست که در اثرش از زمین و آسمان بیرون زده و موز باران است! حتی فاصله‌ای میان زمین و آسمان نیست. ما با یک ناکجای مطلق به نام «حفرة خرگوش» مواجه‌ایم که انگار خرگوش‌هایش رفته‌اند هویج‌ها را برده‌اند و موزها را جا گذاشته‌اند! در کنار این چیدمان ویدئو انیمیشنی از همین صحنه در یک نمایشگر کوچک پخش می‌شود. جنس مواجهه مخاطب



اثر کوروش شیشه‌گران در نمایشگاه فوتوژنیک



شاعر شعر «باز باران
باترانه» که بود؟



۱۱ دی زادروز سیدمحمدالدین میرفخرایی
متخلص به گلچین گیلانی است

گلچین گیلانی آن گونه که در تاریخ آمده است از نوجوانی به شاعری پرداخت. وی دوره دبیرستان را در دارالفنون تهران گذراند و آن گونه که می‌گویند در دارالفنون شاگرد استادانی چون وحید دستگردی و عباس اقبال آشتیانی بوده است. گلچین را می‌توان کشف وحید دستگردی دانست، چراکه نخستین بار در سال ۱۳۰۷ شمسی این دستگردی بود که شعری از گلچین گیلانی را در مجله‌اش؛ ارمغان منتشر کرد. بعد از ارمغان روزگار نو، فروغ و سخن نیز از نشریاتی هستند که آرام‌آرام اشعار گلچین را چاپ کردند. معروف‌ترین شعر گلچین گیلانی «باز باران با ترانه» است. شعری که احتمالاً اکثرمان از کتاب‌های درسی به خاطر داشته باشیم. این شعر را گلچین در ۱۹۴۰ میلادی در لندن سرود. زمانی که برای تحصیل به انگلستان رفته بود تا به خواندن رشته پزشکی همت بگمارد. برای اولین بار در مجله سخن منتشر شد و بعد از آن در کتاب‌های درسی درج شد تا از دهه ۵۰ تاکنون همچنان خاطره‌ساز روزهای خوش کودکی باشد.

گلچین گیلانی با این که در تمام آن سال‌ها از وطن دور بود، با تعداد زیادی از بزرگان ادب زمان تماس و ارتباط داشت. کسانی مثل محمدعلی اسلامی ندوشن، صادق چوبک، هوشنگ ابتهاج، محمد زهری، مسعود فرزاد، محمد مسعود و پرویز ناتل خانلری.

حرف سفر برای تحصیل شد خوب است کمی هم از تحصیلات گلچین بگوئیم. او ابتدا لیسانس ادبیات گرفت و سپس تغییر رشته داد و در لندن پزشک شد و تا پایان زندگی در آنجا بود و شعرهایش را نیز از آنجا می‌فرستاد.

در زمان جنگ جهانی دوم و بسته شدن دانشگاه‌های لندن و قطع شدن کمک هزینه‌های تحصیلی برای امرار معاش به کارهای متفاوتی از جمله رانندگی آمبولانس و گویندگی فیلم‌ها و رادیو، ترجمه خیر و مقاله پرداخت. در سال ۱۹۴۷ میلادی در رشته بیماری‌های عفونی و بیماری‌های سرزمین‌های گرمسیری، دکترای تخصصی گرفت و کار پزشکی را آغاز کرد. نیمی از عمرش در غربت گذشت.

شاید جالب باشد بدانید محمد حقوقی که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های آنتولوژی شعر معاصر از اوست، از چهره‌هایی بوده که نظر مثبتی درباره شعر گلچین گیلانی نداشته و درباره او این‌گونه سخن رانده است: «شعر گلچین، سبب رکود شعر ما در دهه ۲۰ بوده است، چرا که باعث شده جریان‌های اصلی شعر، دیرتر شناخته شوند.»